

چشم انداز سیاست خارجی ترکیه پس از کودتا

با سخنرانی سیداحمد موسوی ملکی*

اشاره:

کودتا در ترکیه هرچند ناموفق بود اما طبیعتاً تأثیرات خاص خود را دارد و این تأثیرات را می‌توان علاوه بر سطح داخلی ترکیه، در روابط و رویکرد این کشور نسبت به کشورهای دیگر نیز دید. نظر به اهمیت این موضوع، پژوهشکده مطالعات راهبردی، در «نشست ماه» این شماره به بررسی موضوع «چشم‌انداز سیاست خارجی ترکیه پس از کودتا» اختصاص داشت. در این نشست که با حضور آقای سیداحمد موسوی ملکی از کارشناسان میز ترکیه وزارت امور خارجه برگزار شد، به زمینه‌های کودتا و نیز تأثیری که کودتا بر سیاست خارجی ترکیه داشته است، پرداخته می‌شود. متن حاضر، گزارش تدوین شده این نشست است که تقدیم خوانندگان ماه‌نگار دیده‌بان امنیت ملی می‌شود.

کند به آمریکا فرار کرد. بخش عمده فعالیت‌های گولن مربوط به امور فرهنگی-آموزشی بود که سابقه‌ای طولانی داشت و علاوه بر داخل ترکیه در بیش از صد کشور، مراکز آموزشی داشتند و تنها در دو کشور ایران و عربستان نتوانستند مدرسه ایجاد کنند. یکی از دلایلی که فتح‌الله گولن نسبت به ایران عناد دارد، همین مخالفتی است که ایران از ابتدا با او برای ایجاد این مدارس داشت. به هر حال همراه با حزب عدالت و توسعه تا مقطعی اینها پیش رفتند که برخورد منافع بین آنها پیش آمد و اردوغان احساس کرد، فریب خورده است. از این رو مخالفت خود را با گولن، با بستن مدارس و مؤسسات آموزشی آغاز کرد؛ مؤسساتی که منابع درآمدی جدی برای جریان گولن محسوب می‌شد. اگرچه قبل از این اقدامات، اختلافاتی نیز پیش آمده بود و پیام‌هایی بین دو طرف رد و بدل می‌شد. جریان گولن به این ترتیب از طریق مؤسسات آموزشی، در این سال‌های اخیر نفوذ گسترده‌ای پیدا کرده بود؛ چراکه توانسته بود به مراکز قدرت و تصمیم‌گیری دست یابد به گونه‌ای که می‌توانستند تصمیم بگیرند چه تعداد نیرو را وارد حاکمیت کنند یا چه تعداد

● **آقای موسوی ملکی:** در خصوص شرایط قبل از کودتای ترکیه باید گفت حتی دولت، حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان هم تصور نمی‌کردند که کودتایی در ترکیه رخ دهد. آقای بن علی ییلدریم مکرراً در نشست‌ها و سخنرانی‌های خود به صراحت اعلام می‌کرد که با توجه به تغییراتی که در ارتباط با ارتش رخ داده و بخشی از اینها در چارچوب اصول کپنهاگ، شرایط پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا را تعیین می‌کند - کاهش نیروهای مسلح و اختیاراتشان و حتی بحث شورای امنیت ملی و تغییر آن از حالت نظامی به سیاسی - هرگز فکر نمی‌کردند که چنین اتفاقی رخ دهد.

لازم است در ابتدا به این مهم بپردازیم که کودتا چرا و چگونه رخ داد؟ و چه عواملی باعث وقوع این اتفاق شد؟ جریان گولن و حزب عدالت و توسعه در ابتدا یک جریان موازی هم در ترکیه بودند که امور را با کمک هم پیش می‌بردند. فتح‌الله گولن از سال ۱۹۹۷ که ارتش تصمیم گرفت پس از اربکان، جریان داخل ترکیه را از جریانات فرقه‌ای، دینی، طریقتی؛ تسویه



نیرو را از حاکمیت خارج کنند؛ به عنوان مثال، در کنکور دانشگاه‌ها با توجه به نفوذی که داشتند سؤالات را به داوطلبین وابسته به خودشان می‌دادند و از این طریق می‌توانستند این نفوذ را تا بالاترین رده‌های سیاسی، نظامی و امنیتی گسترش دهند. به نظر می‌رسد اردوغان هم فکر نمی‌کرد اینها تا این حد در درون سیستم نظامی، اداری، فرهنگی و آموزشی ترکیه نفوذ کرده باشند. شرایط به گونه‌ای بود که اردوغان و حزب عدالت و توسعه در داخل ترکیه درگیر بحران کردی بودند و از سوی دیگر بخشی از ارتش و جامعه لائیک ترکیه از شرایط موجود ناراضی بودند. در این دوره روابط ترکیه با روسیه لطمه شدیدی دیده بود، جریان‌های اقتصادی کشور نیز شدیداً از رفتار اردوغان ناراضی بودند. با ایران نیز مشکل داشتند چرا که جریان درگیری در سوریه روز به روز شدت می‌یافت و به حلب رسیده بود. فقط با قطر و عربستان در خصوص جریان سوریه به نحوی ارتباط داشتند و با مصر و امارات بر سر اخوان اختلاف شدیدی پیدا کرده بودند. لذا بستر لازم برای این کودتا وجود داشت. با این اوصاف، در پس این کودتا، نقش معنوی گولن و حرکت جریان گولنی، بخشی از لائیک‌ها که از دولت حزب عدالت و توسعه ناراضی هستند و همچنین بخشی از ارتشی‌ها که خودشان را سرکوب شده می‌دیدند؛ قابل مشاهده است.

به نظر می‌رسد آنهایی که برای کودتا زمینه‌سازی کرده بودند، تصور می‌کردند با توجه به شرایطی که گفته شد امکان موفقیت کودتا وجود دارد.

قبل از کودتا اردوغان و حزب عدالت و توسعه به این نتیجه رسیده بودند که سیاست‌های منطقه‌ای‌شان، خصوصاً در مورد سوریه، جواب نداده و اختلافاتی که پیش آمده، اقتصاد کشور را به سمت فلج‌شدن و انزوای کامل ترکیه در داخل پیش می‌برد. لذا بن‌علی ییلدریم را برای تغییر در سیاست‌های منطقه‌ای جایگزین داوداوغلو کردند. بر همین اساس در دوره قبل از کودتا شاهد بودیم که ترکیه سیاست برگشت به گذشته را به نحوی اجرا کرد، اینکه با اسرائیل وارد مذاکره شدند و مذاکرات را در مورد سوریه در برخی مواضع با اغماض از آن چیزی که در گذشته اردوغان با شدت به دنبالش بود، پیگیری می‌کردند یا در بحث روسیه به‌رغم همه بی‌اعتنایی‌هایی که روس‌ها به آنها می‌کردند به شیوه‌های مختلف سعی کردند خودشان را به روس‌ها نزدیک کنند؛ پیام‌هایی که داده شد و رفت و آمدهایی که صورت گرفت و در نهایت عذرخواهی که انجام شد؛ همه نشانه‌هایی بود در جهت آنچه اردوغان رسماً آن را اعلام کرد که «ما تصمیم داریم در بخشی از سیاست‌های منطقه‌ای خودمان تغییرات اساسی دهیم». وی در همین چارچوب حتی از سوریه نام می‌برد. گرچه باز هم به رفتن اسد تأکید کرد؛ اما مقدمات تغییر در سیاست منطقه‌ای حزب عدالت و توسعه و اردوغان قبل از کودتا آغاز شده بود و این موضوع کودتا را قدری جلو انداخت.

به هر حال وقتی به موضع‌گیری‌های اردوغان، بعد از کودتا می‌نگریم، مشاهده می‌کنیم که وی نسبت به تغییر سیاست‌های منطقه‌ای خود دلگرم‌تر شده است. سؤال مهمی که مطرح می‌شود این است که با توجه به تنش اردوغان در مقابل آمریکا بر سر استرداد گولن و یا دلخوری از موضع اروپا که خواهان رعایت حقوق بشر در مقابل کودتاگران است و با توجه به چشم‌انداز اقتصادی با روسیه و ایران، آیا ترکیه راهبرد سیاست خارجی خود را تغییر می‌دهد و به شرق گرایش پیدا می‌کند؟ به دلایل متعدد همه معتقدند که سیاست راهبردی ترکیه همان گرایش به غرب و عضویت در ناتو است و روابط با شرق براساس شرایط منطقه‌ای است و امتیازاتی که ترکیه می‌تواند از این معامله و نگاه به شرق از طرف غرب داشته باشد، دلیل اصلی سیاست‌های اردوغان است، لذا می‌توان گفت که سیاست اردوغان قطعاً برای پساکودتا تغییر خواهد کرد و در ارتباط با شرق نزدیک‌تر خواهد شد، چرا که تجربه به اردوغان نشان داده اگر قرار باشد موقعیت داخل کشورش را تثبیت ببخشد و اقتصاد ترکیه را از رکود جدی خارج کند باید در نگاه به خارج از یک موضع منعطفانه برخوردار باشد. اما در ارتباط با سیاست راهبردی ترکیه در اتحاد با اردوگاه غرب، تغییری حاصل نخواهد شد. در ارتباط با ایران که صحبت از بحث الزامات مطرح است، باید توجه داشته باشیم که به هر حال ما دو کشور همسایه هستیم با مرزهای طولانی و منافع مشترک و اشتراکات فرهنگی، تاریخی و دینی مشترک، در طول تاریخ هر کجا متحد بودیم، منفعت برده‌ایم لذا سیاست کلی همچنان تقویت روابط با ترکیه است. ما به دلایل متعدد به خصوص در بحث حمایت از دموکراسی در ترکیه که انجام دادیم و هم در حمایت از حزب عدالت و توسعه تلاش کردیم که این حزب را در جایگاهش تثبیت کنیم، علتش این است که ما در طول سال‌های تحریم همکاری‌های خوبی را از حزب عدالت و توسعه و دولت ترکیه شاهد بودیم. در شورای امنیت آنها به عنوان یک عضو غیردائم به نفع ما و علیه قطعنامه، رأی دادند و این چیزی نیست که قابل نادیده گرفتن باشد. در دوره‌ای که بحث تحریم‌ها مطرح بود کم و بیش به اشکال مختلف کمک و امکانات (مالی و غیرمالی) از طریق ترکیه صورت می‌گرفت که در سایه همکاری با حزب عدالت و توسعه انجام می‌شد.

پاشنه آشیل ترکیه بحث اقتصاد ضعیف آن است که امروز نیازمند کمک است و ما نیز از جهتی به دنبال جذب سرمایه‌گذار هستیم و این باعث می‌شود بتوانیم سرمایه‌گذاران ترکیه را جذب کنیم و به عنوان یک اصل که شاید از ابتدای وقوع جریان سوریه مطرح بوده، همیشه رهبران دو کشور سعی داشته‌اند موضوع سوریه را از موضوع روابط دوجانبه خارج کنند و هر کدام را با نگاه متفاوت بررسی کنند که بتوانند حتی در ارتباط با سایر

کشورها مواضعی نزدیک به هم داشته باشند. ما در سخت‌ترین شرایط در سطح رئیس‌جمهور و رئیس‌مجلس و سرویس‌های امنیتی دو کشور مذاکراتمان را داشته‌ایم و این الزامات ما را وادار می‌کند که این روند را همچنان ادامه دهیم.

نقد و نظر

آیا سازمان‌های اطلاعاتی ترکیه اطلاعاتی از وقوع کودتا نداشتند؟ یا آنها نیز با ارتش همکاری می‌کردند؟ چنین مطرح شده است که روس‌ها خبر کودتا را به اردوغان اعلام کردند. آنچه در عمل در ترکیه اتفاق افتاده چه بوده است؟ آیا واقعاً آنها به حدی ناتوان بوده‌اند که روس‌هایی که در طرطوس هستند و گرفتاری‌های خاص خودشان را دارند، متوجه کودتا شده‌اند ولی سازمان‌های ترک در داخل بی‌اطلاع بودند؟

به نظر آمریکا این‌گونه که امروز گفته می‌شود، نمی‌تواند در کودتا نقش داشته باشد، هر چند کودتا می‌تواند موجب تغییر در سیاست خارجی ترکیه شود اما به دلیل راهبرد سیاست خارجی ترکیه که همواره گرایش به روابط استراتژیک با غرب داشته، بعید است کشوری همچون آمریکا به دلیل پاره‌ای مسائل و مشکلاتی که به وجود آمده دست به کودتا بزند.

● **موسوی ملکی:** در رابطه با بحث سازمان‌های اطلاعاتی و اینکه گفته می‌شود سازمان سیا از این قضیه حمایت کرده، شایعاتی مطرح است که بیشتر در حد گمانه‌زنی است. واقعیت این است که اصلاً این‌ها تصور نمی‌کردند که کودتایی در حال شکل گرفتن است و حتی عمق نفوذ فتح‌الله گولن و طرفداران او را در این جریان‌ها تا این حد نمی‌دانستند، به این دلیل شاید قدری خیالشان آسوده بود. دولت ترکیه پس از مذاکرات کپنهاگ که باید اصلاحاتی را در ساختار ارتش و نیروهای نظامی و امنیتی انجام می‌داد، اطلاعات ارتش را عملاً به یک مرکز خنثی تبدیل کرد که زیر نظر پلیس بود و ارتش را تا حد زیادی تضعیف کرده بود و در شورای عالی نظامی‌شان که به صورت منظم برگزار می‌شود، در آنجا تعداد این افراد را کاهش دادند و جابه‌جایی‌های زیادی انجام شده بود و تصور نمی‌کردند چنین اتفاقی رخ دهد. کودتا در واقع افشا شد، قرار بود ساعت ۴-۳ صبح اتفاق بیفتد که به دلیل افشای آن زودتر شروع می‌شود.

در جریان کودتا آنچه قابل توجه است اینکه از فرماندهان درجه یک کسی را نمی‌بینیم، اینها کسانی هستند که در رده دوم و سوم ارتش و بخشی از بدنه آن هستند که همان نفوذ جریان گولن در مجموعه است. در رابطه با بحث طرطوس یکی از مطالبی است که گفته می‌شود، شایعات متعددی وجود دارد و هر کسی به نحوی آن را روایت می‌کند. آنچه باعث ناراحتی ترک‌ها از آمریکایی‌ها شده این است

که می‌گویند شما از کودتا مطلع بوده‌اید، لذا سفر جان کری وزیر خارجه آمریکا به ترکیه و سفری که جو بایدن قرار است به ترکیه داشته باشد، برای این است که قدری بتوانند از کدورت اردوغان کم و از او دلجویی کنند. ترکیه محدودیت‌های بسیاری دارد و کشوری نیست که بتواند به تنهایی هر طور که خواست عمل کند؛ می‌تواند تا حدی موضع‌گیری‌هایش را داشته باشد اما خط قرمزهایی دارد که قطعاً از آنها نمی‌تواند عبور کند. در خصوص کلنجاررفتن اردوغان با آمریکا برای بازپس گرفتن گولن، باید گفت اردوغان در واقع به دنبال برگرداندن گولن نیست؛ بلکه به دنبال این است که فضای ضدگولنی را در داخل کشور زنده و پویا نگه دارد تا بتواند به سرکوب مخالفانش بپردازد.

○ نقطه اختلاف جریان گولن و حزب عدالت و توسعه در ترکیه کجاست؟ آیا صرفاً برای دست‌یابی به قدرت است یا اختلاف، ایدئولوژیک است؟

گفته شد که ترکیه در مقاطع مختلف قبل از بحران سوریه با جمهوری اسلامی نزدیکی مؤثری داشته است و در آورده‌گاه‌های استراتژیک به یاری ما آمده است هر چند که هیچ‌گاه متحد استراتژیک ما نبوده است؛ همسویی استراتژیکی ما به صورت بالقوه با ترکیه تا چه حدی است؟ ما چقدر ظرفیت همکاری استراتژیک با ترک‌ها را در منطقه داریم؟

● **موسوی ملکی:** گولنی‌ها چندان به موضوعات اعتقادی پای‌بند نیستند؛ در ترکیه می‌گویند من ابتدا ترک هستم، سپس مسلمانم، یعنی چنین دیدگاهی وجود دارد و این دیدگاه را در مجموعه‌های مختلف و حتی در شخص گولن می‌توان مشاهده کرد. در خصوص اختلاف گولن و حزب عدالت توسعه، بخشی از آن را می‌توان در مدیریت کشور یافت یعنی دو گروه با کمک و حمایت هم بالا آمده‌اند و در کنار هم اقتدار یافته‌اند و از لحاظ مالی رشد کرده‌اند و به جایی رسیده‌اند که برای هم مشکل ساز شده‌اند و در صدد بیرون کردن طرف مقابل از میدان رقابت هستند و این باعث تضاد می‌شود.

گولنی‌ها هیچگاه وارد فاز فعالیت سیاسی نشده‌اند و حزب و عملکرد سیاسی نداشته‌اند و همواره کارشان رسانه‌ای و فرهنگی بود. بیش از ۳۰-۲۰ کانال تلویزیونی دارند و حتی سریال‌هایی که با مضمون دینی در ایران نمایش داده می‌شد، همه تولیدات این جریان بود، که به کار فرهنگی مشغول بودند. اما این امر را برای مرحله آخر گذاشته بودند که اگر بتوانند حزب عدالت و توسعه را به خصوص در جریان انتخابات، از درون متلاشی کنند و جایگاه آن را در نزد افکار عمومی تنزل بدهند، تا بتوانند شرایط خودشان را پیش ببرند. آنچه اینها انجام دادند واقعاً نوع جدیدی از کودتاست که سابقه چنین اقدامی را نداریم. اغلب کودتاهایی که انجام می‌شود، با محوریت نیروهای نظامی صورت می‌گیرد، یعنی شاید ۹۰

درصد کار را نظامی‌ها انجام می‌دهند و ۱۰ درصد آن را سیاسیونی که با نظامی‌ها، همراه بوده‌اند؛ اما در این کودتا، این دویخش به موازات هم حرکت می‌کردند؛ یعنی به همان میزانی که نظامی‌ها باید کار انجام می‌دادند، در وزارت خارجه و وزارت آموزش و شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی نیرو داشتند و قرار بود اگر کودتا انجام شود، اینها در جاهای مناسبشان قرار بگیرند و حتی در درون حزب عدالت و توسعه نیز افرادی را داشتند که بتوانند در زمان مقرر کارشان را انجام دهند که برخی از آنها دستگیر شدند.

در بحث همکاری استراتژیک ایران با ترک‌ها باید گفت که هنوز همکاری‌هایمان به سطح استراتژیک با ترکیه نرسیده است ما تقریباً در سال‌های اخیر دو بار، شورای عالی همکاری‌های دو کشور را تشکیل دادیم که مفهوم این شورا این است که در واقع هیئت دولت مشترکی تشکیل می‌شود که در رأس آن رؤسای جمهور و تعدادی از وزرای دو کشور قرار دارند و همکاری‌ها را به صورت منسجم و متمرکزتر به پیش می‌برند که این روند ادامه دارد و جلسهٔ اخیر آن در نوروز ۹۵ در آنکارا تشکیل شد.

○ یکی از نتایج ملاقات اردوغان با پوتین که کمتر مورد توجه قرار گرفت، تصمیم به تشکیل کمیته مشترکی درباره سوریه بود. با توجه به افتراق منافع دو کشور که می‌توان گفت در منتهی‌الیه طیف هستند، یعنی یکی کاملاً خواهان برکناری بشار اسد و تغییر و تحول اساسی در سوریه و دیگری خواهان حفظ وضع موجود در این کشور، به نظر می‌رسد یک مخرج مشترکی از این دو در کنار هم قرار گرفت، آیا این یک امر نمایشی بود یا اینکه امکان دارد ترکیه امتیازهایی بدهد و از موضع خود عقب‌نشینی کند؟ مخصوصاً ایده تعامل سه جانبه که اخیراً از طرف آقای ظریف مطرح شده به این مسئله کمک می‌کند و گویا ترکیه این مسئله را رد نکرده است و ممکن است در آینده نزدیک سه کشور در خصوص سوریه بحث کنند و آیا ترکیه در شرایطی است که از مواضع خود چشم‌پوشی کند؟

● **موسوی ملکی:** توافقاتی در مذاکرات پوتین با اردوغان شده که ترک‌ها جلوی ورود نیروهای داعشی را بگیرند و از طرف دیگر روس‌ها با گروه کردی پ.ی.د که در شمال سوریه می‌جنگند و به پ.ک.ک نزدیک هستند، همکاری نکنند، اینکه تا چه حد این موضوع صحت دارد باید زمان بگذرد تا به آن برسند، هر دو طرف برایشان مهم است و هنوز مذاکرات در سطح مقدماتی است و گفته شده که نشست‌های سه جانبه در حال برگزاری است؛ یعنی نیروهای سرویس‌های امنیتی دو کشور نظامی و سیاسی؛ همین کار را احتمالاً با ایران انجام دهند و در آینده نزدیک احتمالاً سفر مقامات عالی‌رتبه ترکیه را به تهران خواهیم داشت که این در ادامهٔ رایزنی‌هایی است که در حال انجام است.

بسیاری معتقدند که موضوع روابط ترکیه و روسیه یک روابط استراتژیک و راهبردی نیست؛ این دو کشور به دلایل متعدد به

این رابطه نیاز دارند برای چانه‌زنی با غرب و جناح‌های مختلف و برای ارتقای رشد اقتصادی خودشان، به همان اندازه که ترک‌ها به صادراتشان به روسیه و به ورود گردشگران روس به ترکیه نیازمندند؛ روس‌ها نیز به این رابطه احتیاج دارند. توافقات بزرگی در مورد ایجاد نیروگاه‌های هسته‌ای و انتقال گاز امضا شده بود که به دلیل اختلافاتی که پیش آمد، متوقف شد و اکنون باید به جریان بیفتد؛ لذا نیاز دو کشور می‌طلبد که بتوانند از این فرصت استفاده کنند؛ هم برای منافع اقتصادی و ملی خودشان و هم در بحث چانه‌زنی با کشورهای دیگر، روس‌ها در بحث اوکراین مشکلاتی را با غرب و اروپا دارند و ترک‌ها در بحث مهاجرین، مشکلاتی با اروپایی‌ها و با آمریکایی‌ها در خصوص گولن دارند و موضوعات دیگری که بین آنها وجود دارد لذا می‌توانند از این چانه‌زنی‌ها استفاده کنند.

پیمان سه جانبه‌ای که آقای ظریف اشاره کردند همین است که بیان کردم، به هر حال مذاکراتی انجام شد. پس از ملاقات اردوغان با پوتین توافقاتی انجام شد که به ایران ارتباط پیدا می‌کرد. در واقع آقای ظریف به ترکیه رفتند و مذاکراتشان را انجام دادند و بخش عمدهٔ کار موضوع سوریه است.

○ اردوغان و خصوصاً حزب عدالت و توسعه چه تحولی را توانسته‌اند در داخل جامعه ترکیه ایجاد کنند که مردم برخلاف دوره‌های گذشته نقش حمایتی از دولت را پیدا کردند؟

با توجه به شکافی که بین فتح‌الله گولن و اردوغان وجود دارد، این فرض وجود داشت که تا حدی پایگاه مردمی اردوغان در بطن جامعه آسیب دیده اما این کودتا نشان داد که ساختارسازی‌های خوبی توسط حزب عدالت و توسعه در بطن جامعه ترکیه صورت گرفته است.

تلقی شما از پیامدهای این کودتا در داخل ترکیه چیست؟ در هر صورت صرف‌نظر از کشته‌شدن چندصد نفری که بخشی از مردم و بخشی از کودتاچی‌ها بودند، سطح برخورد بسیار گسترده‌ای با عوامل دخیل در کودتا صورت گرفت؛ این امر تا چه اندازه می‌تواند شکاف‌های درونی جامعه ترکیه را فعال کند و در آینده این موضوع چه پیامدهایی برای ترکیه به دنبال خواهد داشت؟ سؤال دیگر در خصوص علویان ترکیه است، علویان در جریان کودتا چه موضعی اختیار کردند؟

● **موسوی ملکی:** در مقطع کنونی دموکراسی جایگاه خود را در ترکیه پیدا کرده و افکار عمومی به این باور رسیده که دموکراسی بهترین راه برای ثبات و منافع و اقتدار کشور است. لذا ما می‌بینیم در این انتخابات برخلاف کودتای دوره اربکان که احزاب مخالف همه به پشت سر نظامیان رفتند و خودشان آتش تهیهٔ ورود نظامی‌ها به صحنه را ریختند، این بار حتی حزب کردی که نزدیکترین دوستانش در پ.ک.ک از جانب نظامی‌ها سرکوب می‌شوند، آنها نیز حاضر نشدند با کودتاگران همکاری

کنند؛ حزب حرکت ملی گرا، جمهوری خواه خلق همه آنها به رغم اختلاف نظری که با حزب عدالت و توسعه داشتند در کنار حزب حاکم قرار گرفتند و مردم وارد خیابانها شدند و فداکارانه ایستادگی کردند. در هیچ رسانه‌ای شنیده و دیده نشد که بخشی از مردم (حتی مخالفینی که وجود دارند) در کنار کودتاگران قرار بگیرند. لذا ما ارتقای سطح علمی - فکری و دانش مردم ترکیه از لحاظ توجه به دموکراسی را در این جریانات شاهد هستیم که همه آنها در این سالهای اخیر اتفاق افتاده است. این کودتا، ارتش را هر چه بیشتر تضعیف خواهد کرد. پس از شکست کودتا، در برخورد با افراد و جریانهای دخیل در کودتا برخی صحنه‌های منجرکننده‌ی اتفاق افتاد که اگر برخوردها به این نحو می‌خواست پیش رود جایگاه آقای اردوغان را تضعیف می‌کرد اما اکنون برخوردها با افراد و جریانهای حامی کودتا تا حدی مدیریت شده، و آن وضعیتی که در ابتدا بود، در حال حاضر وجود ندارد و اخراج افراد بیشتر در دستور کار قرار گرفته است.

در بحث علویان باید گفت که در جریانهای اخیر چندان موضع خاصی نداشتند، علویان خواسته خودشان را دارند اما به دلیل عدم انسجامی که در آنها وجود دارد، همواره منفعل هستند. علویان از گذشته تاکنون جناحهای مختلفی دارند و بخش کوچکی از آنها مذهبی هستند؛ ولی بخش دیگری از آنها لائیک هستند و اعتقادات خاصی ندارند و در بحث منافع خودشان به دو دلیل پراکندگی جمعیتشان در داخل ترکیه و عدم شناخت منافعی که می‌خواهند؛ آنچه که اکنون مطرح می‌کنند، بسیار جزئی است و در جهت منافع خودشان هنوز مطلب خاصی که مدون و منسجم باشد را ارائه نداده‌اند و در این بحث‌های اخیر نیز در رسانه‌ها موضع‌گیری خاصی از آنها ندیده‌ایم که بخشی از آنها می‌تواند به دلایل زیر باشد: نخست، فضا در ترکیه آماده نیست و دوم، آنها به عنوان بخشی از مردم ترکیه نسبت به مزیت‌های دموکراسی نسبت به کودتا واقعاً واقف هستند و در این مقطع همراه با دولت و سایر مردم کشور همراهی و سکوت کردند.

در بحث عربستان، ایران و ترکیه باید گفت که ما اگر در این یارکشی که در منطقه وجود دارد، نتوانیم موقعیت خودمان را تثبیت کنیم؛ قطعاً متضرر خواهیم شد و کشورهای دیگر جایگاه ما را خواهند گرفت؛ کشوری مانند عربستان اختلافاتش با ترکیه کمتر از ما نیست؛ در بحث اخوان به رغم حمایت جدی که عربستان از کودتای مصر کرد ولی اردوغان همچنان بر موضع مخالف خودش در مقابل الیسیسی ماند؛ آنچه اینها را در کنار هم قرار داده است، موضوع سوریه است که اگر بتوانیم از فرصت و تقویت روابط خودمان با ترک‌ها استفاده کنیم و این یارکشی که وجود دارد را در جهت منافع دو کشور همسو کنیم؛ قطعاً می‌توانیم وضعیت را به نفع خودمان تغییر دهیم. اگر چه موضوع در منطقه در حال حاضر بحث سوریه نیست؛ ما بحث یمن را

هم داریم که آن شرایط خاص خود را دارد و نفوذی که ترک‌ها در آنجا دارند. اردوغان قبل از سفر به ایران در بحث یمن صراحتاً علیه ما موضع‌گیری می‌کرد که اگر درایت جمهوری اسلامی ایران نبود، سفر خراب می‌شد و شاید یک اتفاق منفی در روابط رخ می‌داد اما مدیریت ایران باعث شد که اردوغان پس از سفر به ایران، موضعش به نفع مردم یمن تغییر کرد.

○ چه مشکلات و موانعی وجود داشته که ترک‌ها نتوانستند مانع چنین اتفاقاتی بشوند؟ چرا به وقوع پیوست؟ ضعفشان در چیست؟ بحث سیاست سرکوبی که بعد از کودتا آغاز شد، واقعاً این فرایند تا کجا ادامه می‌یابد؟ آیا امکان حذف نفوذ شبکه گولنی وجود دارد؟ اگر وجود دارد با این سیاست‌ها و روش‌های سرکوب‌گرانه می‌توان به این نتیجه رسید؟ سؤال بعدی به سیاست منطقه‌ای ترکیه و به طور مشخص سوریه برمی‌گردد، با توجه به رفتارهای عملگرایانه‌ای که دولت ترکیه طی ماه‌های اخیر از خود نشان داد، به نظر می‌رسد این پتانسیل وجود دارد که در موضوع سوریه نیز همین عقب‌نشینی‌ها و تغییرات به وقوع بپیوندد، نقشه بعدی که دولت ترکیه در قضیه سوریه می‌تواند داشته باشد چیست؟

● **موسوی ملکی:** اینکه آیا ضعفی در داخل جامعه وجود داشت که کودتا رخ داد، به هر حال ضعف‌هایی وجود دارد، اما ضعف‌ها در حدی نبود که اجازه دهد کودتا به نتیجه برسد. اینها فکر می‌کردند که به دلایل داخلی و خارجی، ممکن است اگر اقدام به کودتا کنند با آنها همراهی شود، اما این گونه نشد. البته اقبال مردم به حزب عدالت و توسعه، از روی محبوبیت و علاقه خاص به شخص اردوغان نیست؛ بلکه سیاست اقتصادی اردوغان، توانسته با اجرای آن، کشور را واقعاً تغییر دهد و این تغییر را در اغلب جاهای کشور می‌توان دید. کشوری که تا سال‌های قبل جاده‌هایش چندان مناسب نبود اما امروز همان جاده‌ها به شکل اتوبان دویانده وجود دارد و مسیر به سمت ایران که برایشان دارای اولویت نبود به شکل جاده دویانده اتوبان تبدیل شده است. اقتصاد شکوفا شده و همین نکته‌ای است که اردوغان از آن بهره می‌برد. در انتخابات سال گذشته حزب عدالت و توسعه نتوانست اکثریت را به دست آورد و اردوغان با این شعار که اگر می‌خواهید به دوره دولت‌های ائتلافی و موقت و چندماهه برگردید همین روش را پیش بگیرید اما اگر می‌خواهید کشور با ثبات داشته باشید، به ما رأی دهید و ضمن اینکه درگیری با کردها را ایجاد کرد، توانست رأی ملی گراها را به دست بیاورد و نهایتاً حزب اول کشور شد که امروز حدود ۵۲ درصد آرا را در سومین انتخابات سراسر کشور توانست کسب کند.

اینکه ترکیه تا چه حد در صحنه سوریه نفوذ دارد، در این خصوص ترکیه نه تنها خودش هزینه‌های زیادی متقبل شده بلکه بخشی از آن را با کمک مالی سعودی‌ها و قطری‌ها انجام داده است و اکنون بخش عمده‌ای از تسلیحات و کمک‌هایی که وارد سوریه



می‌شود، از خاک ترکیه صورت می‌گیرد. به‌رغم این، اردوغان در مصاحبه‌ای گفته است از این پس، ترکیه به صورت نزدیک‌تر با کشورهای منطقه برای حل مسائل منطقه‌ای و در رأس آنها، سوریه گام برمی‌دارد. اینکه ترکیه موافقت کند که با حضور اسد دولت انتقالی تشکیل شود یا خیر، از موضوعاتی است که اکنون نمی‌توان در مورد آن نظر قطعی داد.

○ آیا می‌توان تصور کرد که دستگاه اطلاعاتی ترکیه بی اطلاع بوده باشد و روس‌ها از طرفوس به آنها خبر بدهند؟ آیا با همین منطقی می‌توان گفت که آمریکایی‌ها خبر نداشته‌اند؟

● **آقای موسوی ملکی:** ترک‌ها معتقدند که آمریکایی‌ها بی‌خبر نبوده‌اند ولی اطلاع نداده‌اند.

○ آیا شبکه گولن عامل اصلی کودتا بود؟ و اینکه آیا امکان حذف شبکه گولن از جامعه ترکیه وجود دارد؟

● **موسوی ملکی:** شبکه گولن نه به عنوان عامل اصلی، بلکه به عنوان یکی از عوامل اصلی در کودتا نقش داشته و افرادی که اکنون دستگیر می‌شوند و بخشی از آنهايي که در ارتش دستگیر شده‌اند، از مدارسی فارغ‌التحصیل شده‌اند و به نحوی وارد سیستم اداری - نظامی - حکومتی شده‌اند که پشت آن جریان گولن قرار داشته است.

کاری که گولنی‌ها انجام می‌دادند عمدتاً از سیستم آموزشی و کلاس‌های فوق برنامه بود، آنها از این طریق می‌توانستند نخبه‌ها را انتخاب کنند و برای آنها امکانات فراهم کنند و در نهایت آنها را به همکاری وادارند. بخشی دیگر مربوط به جریان لائیک و کمالیست‌ها است که از رفتار دولت ناراضی هستند. رشد اسلام‌گرایی در ترکیه در دوره اردوغان، به صورت بطنی انجام شده است و این مسئله آنها را ناراضی کرده است.

○ با توجه به اینکه اکنون اردوغان به نوعی اسلام‌گرایی را ترویج می‌دهد؛ آیا این جریان در ترکیه قابل ریشه‌کن کردن است؟ چگونه از هم قابل تفکیک هستند؟

● **موسوی ملکی:** هیچ‌کدام از اینها جریان اسلام‌گرایی را ترویج نمی‌دهند، اصلاً چنین چیزی مطرح نیست، آنها به این عنوان که به فرض، من حزب اسلامی عدالت و توسعه هستم نمی‌نگرند؛ اسلام اعتقادات شخصی افراد است و سیاست موضوعی دیگر است. به طور مثال وقتی مرسى در انتخابات پیروز شد، اردوغان به آنجا رفت و در سخنرانی خود به آنها توصیه کرد که نظام لائیک را انتخاب کنند؛ نظام لائیک یعنی اینکه شما دین را از سیاست کنار بگذارید، دین بحث اعتقادات است و سیاست، موضوعی جداست. لذا هیچ‌کدام از آنها بحث اسلام‌گرایی را ترویج نمی‌دهند.

○ آیا سکولارها در برابر حزب عدالت و توسعه و جریان جنبش گولن قرار نمی‌گیرند؟

● **موسوی ملکی:** خیر، بحث در آنجا امروز بحث سیاسی است. جریان اسلامی در احزاب به هیچ وجه به فعالیت سیاسی‌شان ارتباطی ندارد، البته در دوره حزب عدالت و توسعه شاهدیم که مساجد متعددی ساخته شده است که در چارچوب اعتقادات مردم این کار انجام می‌شود. هرچند به نحوی تبلیغ غیرمستقیم در نزد افکار عمومی برای حزب محسوب می‌شود، اما این کار را به عنوان کار و شعار اسلامی انجام نمی‌دهد، فتح‌الله گولن نیز همین‌گونه است، افراد آنها هیچ‌کدام موضوع اعتقادات دینی را مطرح نمی‌کنند.

در مورد گرایشات اخوانی اردوغان و حزب عدالت و توسعه، قانون اساسی ترکیه می‌گوید به هیچ وجه هیچ حزبی نمی‌تواند به استناد تبلیغات قومی، دینی، فرقه‌ای و مذهبی کار سیاسی انجام دهد و با همین حربه حزب رفاه، حزب سلامت ملی و چند حزب چپ‌گرا در دادگاه منحل شده است.

جریان اخوان یک جریان نظامی نیست؛ اینها عمدتاً به دنبال این هستند که بتوانند از طریق نفوذ در مردم، افکار مردم و جلب آراء، کرسی‌های مجلس را بگیرند و پس از آن بتوانند وارد پارلمان شوند و از طریق اکثریت آنها بتوانند به حکومت برسند؛ کاری که آنها انجام دادند.

○ پس از برجام روابط ایران و ترکیه تا چه حد متحول شده است؟ و اکنون در چه وضعیتی است؟

● **موسوی ملکی:** پس از برجام، ترک‌ها تلاش خودشان را مضاعف کردند، شاید در مقطعی ما به دلیل مسائل مربوط به تحریم به ترک‌ها نیاز داشتیم. ما به آنها می‌گفتیم موضوع سوریه جدا از موضوع روابط دوجانبه است و هر کدام در چارچوب خود بحث شود و روابط دوجانبه خودمان را پیش ببریم. ما آن زمان قدری به ترک‌ها برای برخی مسائل مالی و مبادله کالا یا حتی فروش انرژی نیاز داشتیم، اما امروز این مسئله تا حدودی می‌توان گفت معکوس شده است؛ هرچند ما نیز نیاز داریم و هنوز محدودیت‌هایمان با جهان بین‌الملل برطرف نشده، اما اکنون ترک‌ها می‌بینند که کشورهای اروپایی با طمع بسیاری وارد ایران شده‌اند، در چنین فضایی کار با ترک‌ها در زمینه‌های اقتصادی نیز پیش می‌رود و ما چند پروژه بزرگ را با آنها انجام می‌دهیم، کمسیون مشترکمان در حال انجام بررسی است. مسئله، آمریکایی‌ها هستند که در سرچشمه نشسته‌اند و آب را گل‌آلود می‌کنند، ترک‌ها در آنجا که محدودیت دارند، رعایت می‌کنند ولی سعی می‌کنند بیشتر از سایرین با ما همراه شوند، چون منافعی را می‌برند.

آنها هم‌اکنون با روس‌ها و جاهای دیگر دچار مشکل هستند و به شدت به دنبال صادرات کالا و فرصت برای سرمایه‌گذاری هستند و ما نیز از این فرصت‌ها استفاده می‌کنیم.

